

میشل کیو وائس

اعتزافات

یک

دوست

خیال



مترجم: زهرا چوپانکاره

# فهرست

- فصل ۱ همه از ژاک پایپه متنفرند • ۱۱
- فصل ۲ فرانسوای بدجنس • ۱۳
- فصل ۳ عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی پایپه • ۱۵
- فصل ۴ باور کنید همه از ژاک پایپه متنفرند • ۱۷
- فصل ۵ نقشه‌ی دنیای ما • ۱۹
- فصل ۶ موریس شعبده‌باز • ۲۲
- فصل ۷ شاخ درآوردن • ۲۶
- فصل ۸ آشناترین • ۲۸
- فصل ۹ میم مثل مسخره • ۳۰
- فصل ۱۰ امن و بهترین دوست (تازه) ام • ۳۵

- فصل ۳۱ به دریا زدن • ۹۶
- فصل ۳۲ تاریکی • ۹۸
- فصل ۳۳ آزادی؟ • ۱۰۱
- فصل ۳۴ سارقان آب نبات چوبی • ۱۰۳
- فصل ۳۵ من استعفا می دهم! • ۱۰۶
- فصل ۳۶ فرم انتقال • ۱۰۹
- فصل ۳۷ اداره‌ی انتقال • ۱۱۱
- فصل ۳۸ چیزی که بیش تر از همه از من متنفرم • ۱۱۴
- فصل ۳۹ مرلا + پاپی، برای همیشه • ۱۱۸
- فصل ۴۰ تصویر ژاک پاپیه • ۱۲۱
- فصل ۴۱ وضعیت اضطراری خیالی • ۱۲۳
- فصل ۴۲ قیلی قیلی شکم و کرم‌های شب تاب • ۱۲۸
- فصل ۴۳ ژاک پاپیه مشق‌هایم را نوشت • ۱۳۰
- فصل ۴۴ بهترین موجود دنیا • ۱۳۳
- فصل ۴۵ چیزهایی که دلم برایشان تنگ می‌شود • ۱۳۶
- فصل ۴۶ سنجاب وحشت زده • ۱۴۰
- فصل ۴۷ زراپیت • ۱۴۲
- فصل ۴۸ کلمه‌ای نیست • ۱۴۶
- فصل ۴۹ خرج‌هایم ضربه می‌زند • ۱۴۹
- فصل ۵۰ پاستای پروانه‌ای • ۱۵۴

- فصل ۱۱ فهرست نهایی بهترین دوستان خیالی که می‌توانم داشته باشم • ۳۸
- فصل ۱۲ ازدها شاه‌ماهی کبیر • ۴۰
- فصل ۱۳ دختر گاوچران اسکیت باز • ۴۵
- فصل ۱۴ زوزه، جیرجیر، چهچه • ۴۷
- فصل ۱۵ غبار رقصان • ۵۰
- فصل ۱۶ همه (همچنان) از ژاک پاپیه متنفرند • ۵۲
- فصل ۱۷ آب بالا می‌آید • ۵۵
- فصل ۱۸ فصلی که در آن من، ژاک پاپیه، دچار بحران وجودی می‌شوم • ۵۸
- فصل ۱۹ قابلمه‌ها، ماهیتابه‌ها، و زندگی مسخره‌ی ما • ۶۱
- فصل ۲۰ پری دریایی واسب • ۶۴
- فصل ۲۱ آقای رقت‌انگیز • ۶۷
- فصل ۲۲ قصه‌ی کوتاه بدبوی جوراب بوگندو • ۷۱
- فصل ۲۳ یک دعوت • ۷۴
- فصل ۲۴ خیالی‌های گم‌نام • ۷۶
- فصل ۲۵ نور ماه • ۷۹
- فصل ۲۶ اوگلی بوگلی • ۸۱
- فصل ۲۷ نقشه‌ای از آن من • ۸۵
- فصل ۲۸ فهرست کارهایی که من، ژاک پاپیه، می‌خواهم بعد از آزادی انجام بدهم • ۸۸
- فصل ۲۹ گاوچران فلنگ را می‌بندد • ۹۵
- فصل ۳۰ چیزهای خیلی کوچک • ۹۳

- فصل ۵۱ این همه وقت همین جا بودی؟ • ۱۵۷
- فصل ۵۲ اولین جمله‌ی با سرrote برنی کوچولو • ۱۶۰
- فصل ۵۳ گوشه‌های پنهان • ۱۶۵
- فصل ۵۴ جهانی روی یک گلوله‌ی گرگی • ۱۶۸
- فصل ۵۵ خدا عاقبت مان را به خیر کند • ۱۷۱
- فصل ۵۶ برنارد شگفت‌انگیز • ۱۷۴
- فصل ۵۷ و دستیار دوست داشتنی اش • ۱۷۸
- فصل ۵۸ هشتصد میلیارد ستاره‌ی جدید • ۱۸۱
- فصل ۵۹ آبشش‌ها، بال‌ها، و پولک‌های سبز • ۱۸۵
- فصل ۶۰ به خانه خوش آمدی ژاک پایپه • ۱۸۸

# فصل ۱

## همه از ژاک پایپه متنفرند

آی دنیا! من دارم خاطراتم را می‌نویسم و اسم فصل اولش را هم گذاشته‌ام:

### همه از ژاک پایپه متنفرند.

به نظرم این اسم خلاصه‌ی کمی شاعرانه‌ای است از ماجراهایی که در هشت سال اول زندگی در این دنیا از سرگذرانده‌ام. خیلی زود می‌روم سراغ فصل دوم. آن جا اعتراف خواهم کرد که در فصل اول، واقعیت، درست

مثل هیکل کش آمده‌ی فرانسوای سوسیسی کمی اغراق آمیز است. اغراقی که می‌گوییم به آن کلمه‌ی «همه» برمی‌گردد. حساب سه نفر را باید از «همه» سوا کرد:

مامان

بابا

خواهر دوقلویم فلور.

اگر دقت کرده باشید، حتماً متوجه شده‌اید که اسم فرانسوامان را در این فهرست نیاورده‌ام.

## فصل ۲

### فرانسوای برجنس

یک پسریچه و حیوان خانگی‌اش بدون شک بهترین نمونه‌ی یک زوج جدانشدنی محسوب می‌شوند.

مثل کره و عسل،

مثل پای راست و چپ،

مثل نمک و فلفل،

اما...